

## ساختار و روایی پرسش‌نامه فراشناخت دینی

mhsalarifar@birjand.ac.ir

محمدحسین سالاری فر / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

### چکیده

«فراشناخت دینی» از مباحث مهم در حوزه نظری و پژوهش محسوب می‌شود. به‌همین سبب، ساخت یک پرسشنامه دارای روایی و اعتبار، برای اندازه‌گیری این سازه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با هدف ساخت پرسشنامه روا و معتبر برای اندازه‌گیری فراشناخت دینی انجام شد. نمونه پژوهش شامل ۵۱۲ دانشجو (۲۱۶ مرد و ۲۹۶ زن) کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند است که با استفاده از روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای» انتخاب شدند. براساس مبانی نظری مرتبط با بحث، پرسشنامه اولیه با ۳۰ سؤال تهیه و سپس آزموده شد. داده‌ها توسط پرسشنامه‌های «فراشناخت دینی»، «باورهای فراشناختی» و «تعهد مذهبی» جمع‌آوری گردید. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل «عاملی اکتشافی» و «ضریب همستگی پیرسون» استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی وجود چهار عامل اصلی در پرسشنامه را تأیید کرد که شامل دانش فراشناختی دینی درباره شخص، تکلیف، راهبرد، و تجربه فراشناختی دینی است. علاوه بر این نتایج نشان داد این پرسشنامه از روایی واگرا و روایی همگرا برخوردار است. اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش «آلفای کرونباخ» و روش «دو نیمه‌کردن» تأیید شد. در نتیجه می‌توان گفت: پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی و اعتبار لازم برخوردار است و می‌توان از آن برای اندازه‌گیری فراشناخت دینی دانشجویان استفاده کرد.

**کلیدواژه‌ها:** فراشناخت دینی، دانش فراشناختی دینی، تجربه فراشناختی دینی.

در زبان رایج «شناخت» به معنای دانستن است. ولی در زبان روان‌شناسی، «شناخت» به جریان‌های تفکر، یادگیری، چگونگی سازمان دادن، ذخیره‌سازی و به‌کارگیری اطلاعات اطلاق می‌شود. به نظر فلاول (۱۹۸۵)، شناخت به فرایندهای درونی اشاره دارد که حاصل ذهن انسان است (مانند یادآوری، ارتباط دادن، طبقه‌بندی، نمادسازی، تصور یا تجسم، حل مسئله، خلق و ابداع کردن) که به دانستن منجر می‌گردند.

پایژه در پژوهش‌های خود در زمینه ساختارشناختی، موضوع «هشیاری شناختی» و «ناهشیاری شناختی» را بررسی کرد. به نظر او «ناهشیاری شناختی» عبارت است از: مجموعه ساخت‌ها و کنشوری‌هایی که شخص از آنها آگاه نیست و تنها چیزی که می‌شناسد نتایج آنهاست. اما «هشیاری شناختی» سوق دادن برخی عناصر از یک سطح زیرین ناهشیار به یک سطح زیرین هشیار است. بنابراین هشیار شدن یک بازسازی در سطحی عالی‌تر است. (منصور و دادستان، ۱۳۶۷، ص ۱۴۲).

«هشیار شدن» به نوعی آگاهی شخص از فرایندهای تفکر خویش و توضیح کلامی آن اشاره دارد و شخص هشیار نه تنها توانایی انجام دادن کاری را دارد، بلکه به وضوح از چگونگی انجام دادن آن نیز آگاه است. فلاول (۱۹۷۶) برای اولین بار موضوع «هشیاری شناختی» را با عنوان مفهومی جدید به نام «فراشناخت» بررسی کرد تا دانش فرد را درباره فرایندها و تولیدات شناختی یا هر چیز مربوط به آن توصیف کند. به نظر فلاول «فراشناخت» عبارت است از: دانش شخص نسبت به فرایندها و بازده‌های شناختی یا هر چیز دیگری که مربوط به آن است (زیتو و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین فراشناخت یک تفکر سطح بالاست که کنترل فعال فرایندهای فکری مطرح در یادگیری را شامل می‌شود.

به نظر فلاول تفکر فراشناختی از سایر انواع تفکر متمایز است؛ زیرا تفکر فراشناختی به‌طور مستقیم مربوط به رویدادهای بیرونی یا واقعیت خارجی نیست، بلکه به بازنمایی ذهنی شخص از آن واقعیت وابسته است. این بازنمایی می‌تواند شامل این باشد که چگونه عمل می‌کند و چه احساسی درباره آن دارد. بنابراین فراشناخت به «تفکر درباره تفکر» یا «شناخت درباره شناخت» تعریف می‌شود. فلاول ابتدا فراشناخت را به دو طبقه «دانش فراشناختی» و «تجربه فراشناختی» تقسیم کرد (فلاول، ۱۹۷۹).

بخشی از دانش ما نسبت به جهان که با موضوعات شناختی سروکار دارد، دانش فراشناختی را تشکیل می‌دهد. این دانش و باورها از طریق تجربه آموخته‌شده، در حافظه بلندمدت ذخیره می‌شود. دانش فراشناختی ممکن است اخباری یا عملکردی (مربوط به طرز عمل) باشد. برای مثال، اگر نسبت به ضعف و قوت حافظه خود شناخت داشته باشیم، این دانش از نوع «اخباری» است. ولی اگر بدانیم که چگونه می‌توانیم به حافظه خود کمک کنیم، نشان‌دهنده «دانش فراشناختی عملکردی» است.

به نظر فلاول، دانش فراشناختی از دانش درباره شخص، تکلیف و راهبرد تشکیل می‌شود و حجم آن به ترکیب یا تعامل سه طبقه مذکور بستگی دارد (فلاول، ۱۹۸۵).

طبقه شخص، دانش و باورهایی را شامل می‌شود مربوط به اینکه انسان یک پردازشگر شناختی است. به بیان دیگر، دانش فرد درباره ویژگی‌های خودش در این طبقه قرار می‌گیرد.

طبقه تکلیف، دانش فرد درباره ویژگی‌های تکالیف شناختی را شامل می‌شود. شخص باید قبل از آنکه به‌طور مؤثر با مسئله درگیر شود، درباره مقاصد، گستره و ماهیت تکلیف چیزهایی بداند.

طبقه راهبرد، دانش فرد درباره راهبردها یا ابزارهای دستیابی به هدف‌های شناختی نظیر درک کردن، به‌خاطر سپردن و حل مسئله را شامل می‌شود.

راهبردهای شناختی را می‌توان به‌طور کلی از راهبردهای فراشناختی تفکیک کرد. از راهبرد شناختی به منظور ایجاد پیشرفت شناختی استفاده می‌شود، درحالی‌که راهبرد فراشناختی بر فعالیت شناختی نظارت دارد و آن را کنترل می‌نماید (فلاول، ۱۹۸۵).

«تجربه فراشناختی» عبارت است از: یک تجربه شناختی یا عاطفی که به یک امر شناختی مربوط است. محتوای تجربه فراشناختی می‌تواند طولانی، خلاصه، پیچیده یا ساده باشد. تجربه فراشناختی می‌تواند قبل از فعالیت شناختی، هنگام فعالیت شناختی و پس از آن روی دهد. تجربه‌های هشیار شناختی که به سادگی قابل بیان کردن باشند، مثال‌های روشنی از این مقوله هستند. همچنین تجربه‌های نیمه‌هشیار و تجربه‌هایی که تا حدی قابل بیان باشند نیز در این طبقه قرار می‌گیرند (کریمی و سالاری‌فر، ۱۳۸۳، به نقل از: فلاول، ۱۹۸۵).

تجربه فراشناختی نشان می‌دهد که شخص در یک فعالیت شناختی به کجا رسیده و چقدر پیشرفت کرده است؟ چه نوع پیشرفتی کرده است و چقدر پیشرفت خواهد کرد؟ تجربه فراشناختی در موقعیت‌هایی روی می‌دهد که شخص به تفکر هشیارانه سطح بالا و دقیقی نیاز دارد (فلاول، ۱۹۷۹). دانش فراشناختی و تجربه‌های فراشناختی همپوشی‌های قابل توجهی دارند.

تجربه‌های فراشناختی تأثیر قابل توجهی بر هدف‌های شناختی (تکالیف)، دانش فراشناختی و فعالیت‌های شناختی (راهبردها) دارد:

نخست اینکه سبب می‌شود فرد هدف‌های تازه‌ای را در نظر بگیرد و هدف‌های قدیمی را رها کند یا در آنها تجدیدنظر کند.

دوم اینکه تجربه‌های فراشناختی از طریق اضافه کردن، حذف کردن یا تجدیدنظر در دانش فراشناختی، بر پایه دانش فراشناختی فرد اثر می‌گذارد. درست است که دانش فراشناختی بدون همراهی تجارب

فراشناختی می‌تواند تا حدی اصلاح گردد، اما تجارب فراشناختی نقش مهمی در پدیدآیی و تحول دانش فراشناختی در کودکی و نوجوانی ایفا می‌کند و سرانجام اینکه تجارب فراشناختی می‌تواند راهبردهای طراحی شده برای دستیابی به هدف‌های شناختی یا فراشناختی را فعال کند. فلاول در تجدیدنظر خود درباره فراشناخت، مفهوم «تجربه فراشناختی» را اصلاح نمود و به جای آن اصطلاح «بازبینی فراشناختی و خودتنظیمی» را در نظر گرفت (کریمی، ۱۳۹۰، به نقل از: فلاول و همکاران، ۱۹۹۳).

به نظر فلاول (۱۹۷۹) روابط متقابلی بین تجربه‌های فراشناختی، دانش فراشناختی و رفتار شناختی وجود دارد؛ به این معنا که تجربه‌های فراشناختی می‌توانند تأثیرات مهمی بر اهداف شناختی، تکالیف شناختی، دانش فراشناختی و راهبردهای فراشناختی داشته باشند. تجربه فراشناختی می‌تواند فرد را به تنظیم هدف‌های جدید و اصلاح یا حذف هدف‌های قبلی رهنمون سازد. همچنین تجربه فراشناختی می‌تواند به اصلاح، حذف یا اضافه کردن دانش فراشناختی کمک کند، یا اینکه راهبردهای لازم به منظور نیل به اهداف شناختی یا فراشناختی را فعال سازد.

در یک جمع‌بندی از نظریه فلاول می‌توان گفت: مشخصه اصلی فراشناخت، دانش درباره دانش و یا تفکر درباره تفکر است. دانش و باور می‌تواند درباره چیزهایی باشد که نسبت به آنها آگاهی داریم (دانش فراشناختی). این امکان وجود دارد که این دانش و باورها درباره چیزهایی باشد که در حال انجام دادن آن هستیم (مهارت فراشناختی). همچنین این دانش می‌تواند درباره وضعیت عاطفی و شناختی باشد که در حال حاضر تجربه می‌کنیم که به این حالت، «تجربه فراشناختی» می‌گویند.

با توجه به تعریف «فراشناخت»، دانش و نظارت بر فرایندهای ذهنی دارای ماهیتی فراشناختی است. برای مثال، دانش فرد درباره هیجان (ایچ‌بام، ۲۰۱۴)، درباره فرایند خواندن (مختاری و ریچارد، ۲۰۰۲) و درباره فرایند حل مسئله (سونسون، ۱۹۹۰)، حاکی از دانش فراشناختی است و نظارت و تنظیم اختصاص یافته برای این فرایندها نشان‌دهنده تجربه فراشناختی است. به بیان دیگر دانش و نظارت درباره فرایندهای ذهنی هیجان، خواندن و حل مسئله - به ترتیب - حاکی از فراشناخت درباره هیجان، فراشناخت درباره خواندن و فراشناخت درباره حل مسئله است. علاوه بر این اگر باورهای مربوط به اخلاق شخصی توسط خود فرد پردازش گردد، نشان‌دهنده فراشناخت اخلاقی یا فرااخلاق است.

به همین سبب، سونسون و هیل (۱۹۹۳) و فلاول (۱۹۹۸) معتقدند: یکی از موضوع‌هایی که در پیشینه رشد اخلاقی به آن کمتر توجه شده، فراشناخت است.

سونسون و هیل (۱۹۹۳) فرااخلاق یا فراشناخت اخلاقی را همانند دانش فراشناختی به سه بخش

الف. دانش اخلاقی در زمینه خود یا دانشی که فرد درباره خود به‌عنوان یک شخص معتقد به اصول اخلاقی دارد.  
ب. دانش اخلاقی در زمینه تکلیف یا دانشی که فرد درباره تکالیف اخلاقی دارد.

ج. دانش اخلاقی در زمینه راهبردها یا دانشی که فرد درباره راهبردها برای اعمال اخلاقی دارند (طالب‌زاده ثانی و کدیور، ۱۳۷۸).

با توجه به مبانی نظری فراشناخت، می‌توان گفت: اگر باورهای دینی شخص توسط خودش پردازش گردد، حاکی از فراشناخت دینی است؛ زیرا در فرایند پردازش اطلاعات، باورهای شخص درباره دین پردازش می‌گردد. پس دانش فرد درباره باورهای دینی‌اش، دانش فراشناختی دینی را تشکیل می‌دهد. طبقه دانش فراشناختی شامل سه خرده‌طبقه است:

۱. خرده‌طبقه شخص یا دانش فرد درباره خودش به‌عنوان یک شخص دینی؛

۲. خرده‌طبقه تکلیف یا دانش شخص درباره تکالیف دینی؛

۳. خرده‌طبقه راهبرد یا دانش فرد درباره راهبردهای دینی.

علاوه بر این، نظارت و کنترلی که توسط شخص درباره اعمال دینی اعمال می‌شود نشان‌دهنده تجربه فراشناختی دینی است.

بنابراین فراشناخت دینی شامل طبقه دانش فراشناختی دینی و طبقه تجربه فراشناخت دینی است. با توجه به مبانی نظری و پژوهشی مرتبط با فراشناخت، پژوهش درباره فراشناخت دینی از جنبه نظری و کاربردی دارای اهمیت است و ساخت یک ابزار برای سنجش سازه فراشناخت دینی ضروری به‌نظر می‌رسد. به همین سبب این پژوهش با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها انجام شد:

۱. پرسشنامه فراشناخت دینی از چند عامل اشباع شده است؟

۲. آیا پرسشنامه فراشناخت دینی از اعتبار و روایی لازم برخوردار است؟

### روش پژوهش

با در نظر گرفتن هدف، سؤال‌های پژوهش و ماهیت متغیرها، این پژوهش در زمره مطالعات اعتباریابی و از نوع تحلیل عاملی است. به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها، از روش «تحلیل عاملی» استفاده می‌شود. تحلیل عاملی متغیرهای وابسته از قبل تعیین‌شده‌ای ندارد و در موارد اکتشافی که هدف تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها باشد، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶).

با توجه به مبانی نظری فراشناخت، فرم اولیه پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال تدوین شد. برای محاسبه روایی محتوا، پرسشنامه برای ۱۴ تن از متخصصان روان‌شناسی و مشاوره ارسال گردید و با توجه به نظر آنان نسبت روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) سؤال‌ها محاسبه شد.

### جامعه آماری

این پژوهش شامل دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. حجم نمونه در پژوهش نقشی اساسی دارد و نتایج پژوهش متأثر از آن است. کامری و لی (Comrey & Lee) در ارزیابی کفایت اندازه‌های گوناگون نمونه برای تحلیل عاملی، ۲۰۰ تن متوسط، ۳۰۰ تن خوب، ۵۰۰ تن خیلی خوب و ۱۰۰۰ تن را عالی می‌دانند (میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۶، به نقل از: کامری و لی، ۱۹۹۲).

با توجه به موارد فوق، ۵۴۰ تن با استفاده از روش «نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای»، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. با عنایت به اینکه دین یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است و آگاهی و نظارت شخص درباره باورهای دینی‌اش در بهبود عملکردش مؤثر است، این نمونه از جمعیت دانشجویی دانشگاه بیرجند بدون توجه به جنسیت و نسبت دانشجویان دختر و پسر انتخاب شد تا بر مبنای پاسخ‌گویی آنان، ابزاری برای سنجش فراشناخت دینی تدوین شود. پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش (۲۸ نسخه)، داده‌های مربوط به ۵۱۲ تن (۲۱۶ مرد و ۲۹۶ زن) از دانشجویان با استفاده از روش «تحلیل عاملی اکتشافی» به روش «تحلیل مؤلفه‌های اصلی» تحلیل شد.

### ابزار پژوهش

در این پژوهش از فرم اولیه و تدوین‌شده پرسشنامه «فراشناخت دینی»، پرسشنامه «فراشناخت» کارت رایت هاتون و ولز (۲۰۰۴) و پرسشنامه «تعهد مذهبی» ورتیگتون و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد.

### پرسشنامه فراشناخت دینی

پرسشنامه فراشناخت دینی براساس مبانی نظری فراشناخت، با هدف سنجش سازه فراشناخت دینی دانشجویان ساخته شد. فرم اولیه پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال بود که هر سؤال بر مبنای طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، نسبتاً موافق=۳، مخالف=۲، کاملاً مخالف=۱) اندازه‌گیری می‌شود. حاصل جمع نمره تمام سؤال‌ها فراشناخت دینی را نشان می‌دهد. نمره طبقه دانش فراشناختی دینی و تجربه فراشناختی دینی از طریق جمع‌کردن نمره سؤال‌های هر طبقه و همچنین نمره هریک از مؤلفه‌های دانش فراشناختی دینی از طریق جمع‌کردن نمره سؤال‌های هر مؤلفه محاسبه می‌شود.

### پرسشنامه فراشناخت ۳۰ (MCQ 30)

این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که به منظور سنجش چند عنصر خصیصه‌ای - که برخی از آنها در الگوی فراشناختی اختلال روان‌شناختی نقش محوری دارند - توسط کارت رایت، هاتون و ولز در سال ۲۰۰۴ تدوین شده است. این پرسشنامه حیطة‌های فراشناختی را در پنج مقیاس جداگانه با عنوان «باورهای مثبت درباره نگرانی»، «باورهای منفی درباره نگرانی» (کنترل‌ناپذیری و خطرپذیری)، «باورها درباره کفایت شناختی»، «باورها درباره ضرورت کنترل افکار» و «خودهشیاری‌شناختی» را اندازه می‌گیرد (ولز، ۲۰۰۹).

پاسخ به هر سؤال براساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (موافق نیستم=۱، کمی موافقم=۲، تقریباً موافقم=۳، کاملاً موافقم=۴) محاسبه می‌شود. ضریب همسانی درونی به‌عنوان شاخصی از اعتبار به روش «آلفای کرونباخ» محاسبه شد که همسانی درونی برای کل مقیاس ۰/۹۳ و برای هریک از خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه ۳۰ سؤالی از ۰/۷۲ تا ۰/۹۳ به دست آمد. اعتبار به روش «بازآزمایی» محاسبه شده که ضریب به‌دست‌آمده برای کل مقیاس ۰/۷۵ و برای باورهای مثبت ۰/۷۹، باورهای منفی ۰/۵۹، کفایت شناختی ۰/۶۹، نیاز به کنترل افکار ۰/۷۴ و خودهشیاری‌شناختی ۰/۸۷ است.

سالاری‌فر (۱۳۹۱) اعتبار این پرسشنامه را به شیوه ضریب همسانی درونی محاسبه کرد. آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۹ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۶۷ تا ۰/۵۸ به دست آمد. علاوه بر این ضریب اعتبار به روش «دو نیمه کردن» محاسبه شد که ضریب اعتبار معادل ۰/۷۷ است. شواهد مربوط به روایی و اعتبار در فرهنگ اصلی و نمونه ایرانی، حاکی از آن است که این پرسشنامه برای سنجش باورهای فراشناختی از روایی و اعتبار لازم برخوردار است.

پرسشنامه «تعهد مذهبی» توسط ورتینگتون و همکاران در سال ۲۰۰۳ ساخته شد و دارای ده گویه است که به منظور سنجش میزان تعهد مذهبی افراد به کار می‌رود. این پرسشنامه دارای دو زیرمقیاس «تعهد مذهبی درون‌فردی» و «تعهد مذهبی میان‌فردی» است. آزمودنی باید در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از آنها مشخص سازد. اعتبار پرسشنامه تعهد مذهبی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین ضریب اعتبار پرسشنامه با استفاده از روش «بازآزمایی» در فاصله سه هفته برای آزمون ۰/۸۷ به دست آمد (ورتینگتون و همکاران، ۲۰۰۳).

### یافته‌ها

برای پاسخ گفتن به این دو سؤال از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد:

۱. پرسشنامه فراشناخت دینی از چند عامل اشباع شده است؟

۲. آیا پرسشنامه فراشناخت دینی از اعتبار و روایی لازم برخوردار است؟

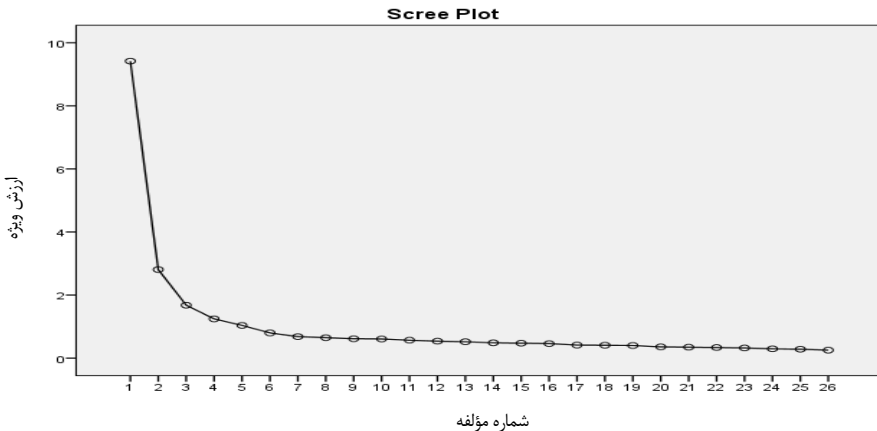
الف. شواهد مربوط به روایی

(۱) روایی سازه

ساختار عاملی پرسشنامه «فراشناخت دینی» با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، بررسی شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری (KMO) معادل ۰/۹۴۲ و آزمون کرویت بارتلت (۷۸۰۷/۴۲) در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  معنادار است. اندازه شاخص KMO به یک نزدیک است، پس کفایت نمونه تأیید می‌شود و معناداری آزمون بارتلت حاکی از آن است که قابلیت استخراج عوامل از ماتریس همبستگی داده‌ها وجود دارد. به بیان دیگر، شرایط لازم برای تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه «فراشناخت دینی» وجود دارد.

علاوه بر این عدد مربوط به هر سؤال پرسشنامه در قطر ماتریس همبستگی ضد تصویر، بالاتر از ۰/۵ است. به منظور تعیین تعداد عامل‌ها، نمودار ارزش ویژه همه عامل‌ها (۳۰ سؤال) ترسیم شد. نتایج نشان داد چهارعامل قابل استخراج است و بررسی نمودار اسکری از این استدلال حمایت می‌کند. این چهار عامل با استفاده از روش «واریماکس» به تعداد ۵۰ بار چرخش داده شد.

نمودار ۱: آزمون اسکری پرسشنامه فراشناخت دینی



داده‌هایی مشمول یک عامل شدند که وزن عاملی آنها ۰/۵۴ یا بالاتر بود و تعداد چهار سؤال به علت پایین بودن بار عاملی حذف شد. در مجموع، چهار عامل ارزش ویژه بالاتر از ۱/۲۵ داشتند و قریب ۵۸/۲۸ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کردند.

با توجه به مبانی نظری، عوامل چهارگانه - به ترتیب - با عنوان «خرده‌طبقه شخص»، «تکلیف»، «راهربرد دانش فراشناختی دینی» و «تجربه فراشناختی دینی» نام‌گذاری شد. به بیان دیگر، پرسشنامه «فراشناخت دینی» دارای دو خرده‌مقیاس با عنوان «دانش فراشناختی دینی» و «تجربه فراشناخت دینی» است و خرده‌مقیاس دانش فراشناختی دینی از مؤلفه‌های «شخص»، «تکلیف» و «راهربرد» تشکیل می‌شود. در جدول زیر، بار عاملی و شاخص روایی محتوای هر سؤال ارائه شده است:



جدول ۱: وزن‌های عاملی، CVI و CVR سؤال‌های پرسشنامه فرآشناخت دینی

سؤال	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	CVI	CVR
۱. نسبت به باورهای دینی‌ام آگاهی دارم.	۰/۵۹۸				۰/۹۲	۰/۸۵
۲. وقتی باورهای دینی‌ام فعال می‌شود نسبت به آنها آگاهی دارم.	۰/۶۲۷				۰/۸۵	۰/۶۹
۳. هر روز تعدادی از باورهای دینی‌ام را مرور می‌کنم.	۰/۶۴۰				۰/۸۵	۰/۵۴
۴. وقتی باور دینی‌ام فعال می‌شود از تغییر احساسم آگاهی دارم.	۰/۶۱۶				۰/۸۵	۰/۶۹
۵. می‌دانم که باورهای دینی جزو باورهای اساسی انسان است.	۰/۵۴۸				۰/۸۵	۰/۶۹
۶. تکالیف دینی‌ام را می‌شناسم.	۰/۶۸۵				۰/۹۲	۰/۸۵
۷. می‌دانم که دین برای جنبه‌های گوناگون زندگی تکالیفی مشخص دارد.	۰/۵۵۹				۰/۹۲	۰/۸۵
۸. ویژگی‌های تکالیف دینی را می‌شناسم.	۰/۶۷۷				۰/۹۲	۰/۸۵
۹. روش انجام تکالیف دینی را می‌دانم.	۰/۶۲۰				۰/۹۲	۰/۸۵
۱۰. می‌دانم که انجام تکالیف دینی زمانی مشخص دارد.	۰/۵۴۴				۰/۹۲	۰/۶۹
۱۱. راهبردهای مبتنی بر دین را می‌شناسم.	۰/۶۰۳				۰/۸۵	۰/۵۴
۱۲. می‌دانم که یاد خدا به انسان آرامش می‌دهد.	۰/۷۴۵				۰/۹۲	۰/۸۵
۱۳. می‌دانم که رابطه با خدا نیاز فطری و اساسی انسان است.	۰/۸۰۹				۰/۹۲	۰/۶۹
۱۴. قبول دارم که بخشش موجب آرامش و سربلندی انسان است.	۰/۵۳۷				۰/۸۵	۰/۵۴
۱۵. می‌دانم که گفتن ذکر خدا یک راهبرد برای کنترل خشم است.	۰/۵۸۸				۰/۹۲	۰/۶۹
۱۶. توکل به خدا یک راهبرد مؤثر برای رسیدن به آرامش است.	۰/۵۳۷				۰/۹۲	۰/۸۵
۱۷. هر روز بر انجام تکالیف دینی‌ام نظارت دارم.					۰/۸۵	۰/۶۹
۱۸. در زمان انجام فرایض دینی احساس خوبی دارم.					۰/۹۲	۰/۸۵
۱۹. هر موقع به خدا توکل نمودم به آرامش رسیدم.					۰/۹۲	۰/۸۵
۲۰. از بخشیدن خطای دیگران لذت می‌برم.					۰/۹۲	۰/۸۵
۲۱. حضور در مراسم دینی برایم آرامش‌دهنده است.					۰/۹۲	۰/۸۵
۲۲. انجام مناسک دینی برایم لذت‌بخش است.					۰/۹۲	۰/۶۹
۲۳. برای استفاده از راهبردهای دینی، مهارت لازم را دارم.					۰/۸۵	۰/۶۹
۲۴. برای غلبه بر سختی‌ها، از تجارب دینی‌ام استفاده می‌کنم.					۰/۸۵	۰/۶۶۹
۲۵. هر موقع که با خدا ارتباط برقرار کردم به آینده امیدوار شدم.					۰/۹۲	۰/۸۵
۲۶. هنگامی که وظایف دینی‌ام را انجام می‌دهم از خودم رضایت دارم.					۰/۹۲	۰/۸۵

## ۲) روایی محتوا

براساس مبانی نظری، فراشناخت دینی شامل دو طبقه تحت عنوان «دانش فراشناختی دینی» و «تجربه فراشناختی دینی» است و برای طبقه دانش فراشناختی دینی، سه خرده طبقه «شخص»، «تکلیف» و «راهبرد» مشخص شده است. با توجه به ماهیت طبقه‌های فراشناخت دینی، تعداد ۳۰ سؤال برای پرسشنامه اولیه در نظر گرفته شد. فرم محتوای مؤلفه‌ها و سؤال‌های اختصاص یافته برای هر مؤلفه، برای ۱۴ تن از متخصصان در رشته روان‌شناسی ارسال شد تا ضرورت و ارتباط هر سؤال را با هر مؤلفه مشخص نمایند. با توجه به نظر متخصصان شاخص CVI و CVR مشخص شد. نتایج درباره این دو شاخص حاکی از آن است که مؤلفه‌ها و سؤال‌های اختصاص یافته برای ارزیابی سازه «فراشناخت دینی» مناسب است.

«تحلیل عاملی اکتشافی» چهار عامل را مشخص کرد که با توجه به مبانی نظری نام‌گذاری شد و تعداد چهار سؤال به سبب بار عاملی پایین حذف شدند. ضریب همبستگی هر سؤال با فراشناخت دینی محاسبه گردید که ضرایب همبستگی در دامنه ۰/۳۷۹ تا ۰/۶۷۹ قرار داشت. ضریب همبستگی خرده طبقه شخص با هریک از سؤال‌هایش در دامنه ۰/۶۳۴ تا ۰/۷۷۸، ضریب همبستگی خرده طبقه تکلیف با هریک از سؤال‌هایش در دامنه ۰/۷۲۹ تا ۰/۷۸۷، ضریب همبستگی خرده طبقه راهبرد با هریک از سؤال‌هایش در دامنه ۰/۶۱۴ تا ۰/۷۲۳، و ضریب همبستگی طبقه تجربه فراشناختی با هریک از سؤال‌هایش در دامنه ۰/۵۴۲ تا ۰/۷۶۴ قرار دارند. ضرایب همبستگی خرده طبقه شخص با خرده طبقه‌های تکلیف و راهبرد به ترتیب ۰/۶۴۷ و ۰/۵۷۹ و ضریب همبستگی خرده طبقه راهبرد با خرده طبقه تکلیف ۰/۶۲۷ هستند. ضریب همبستگی فراشناخت دینی با طبقه تجربه فراشناختی دینی ۰/۹۱۵ و با طبقه دانش فراشناختی دینی ۰/۹۵۸ است که تمام ضرایب همبستگی مزبور در سطح  $P < 0.01$  معنادارند. نتایج حاکی از آن است که پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی محتوا برخوردار است.

## ۳) روایی همگرا و واگرا

به منظور بررسی روایی همگرا، پرسشنامه «فراشناخت دینی» و پرسشنامه «تعهد مذهبی» و «رتینگتون و همکاران (۲۰۰۳)» برای ۵۰ تن اجرا شد. فراشناخت دینی با تعهد مذهبی دارای ضریب همبستگی ۰/۶۲ مثبت است. علاوه بر این، ضریب همبستگی فراشناخت دینی با دانش فراشناختی دینی و تجربه فراشناختی دینی - به ترتیب - معادل ۰/۹۶ و ۰/۹۲ است. با توجه به نتایج می‌توان گفت: پرسشنامه «فراشناخت دینی» دارای روایی همگراست. برای بررسی روایی واگرا، پرسشنامه «فراشناخت دینی» و پرسشنامه «باورهای فراشناختی» کارت رایت هاتون و ولز (۲۰۰۴) برای ۵۰ تن اجرا شد. فراشناخت دینی با باورهای فراشناختی دارای ضریب همبستگی منفی (۰/۵۴-) است. نتایج حاصل حاکی از آن است که پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی واگرا برخوردار است.

### ب. شواهد مربوط به اعتبار

برای محاسبه اعتبار پرسشنامه «فراشناخت دینی» از ضریب همسانی درونی به روش «آلفای کرونباخ» و روش «دو نیمه کردن» استفاده شد. ضرایب به دست آمده برای این پرسشنامه - به ترتیب - معادل ۰/۹۳ و ۰/۸۹ است. برای محاسبه اعتبار خرده‌مقیاس تجربه فراشناختی دینی، دانش فراشناختی دینی و مؤلفه‌های آن از ضریب همسانی درونی به روش «آلفای کرونباخ» استفاده شد. ضریب به دست آمده برای خرده‌مقیاس تجربه فراشناختی دینی معادل ۰/۸۵، برای خرده‌مقیاس دانش فراشناختی دینی معادل ۰/۸۹، و برای خرده‌طبقه‌های شخص، تکلیف و راهبرد - به ترتیب - معادل ۰/۷۶۲، ۰/۸۲۱ و ۰/۷۶۱ است.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به مبانی نظری فراشناخت، دانش، نظارت و کنترل فرد درباره باورها، تکالیف و راهبردهای دینی‌اش، «فراشناخت دینی» نامیده شد. سازه «فراشناخت دینی» تاکنون در مبانی نظری فراشناخت مطرح نشده و به همین سبب از جنبه نظری، مطالعه این سازه دارای اهمیت است و ساخت یک ابزار برای کمی کردن آن، ضرورت کاربردی دارد. در این خصوص دو سؤال مطرح شد:

اول اینکه آیا پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی سازه برخوردار است؟

نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی پرسشنامه «فراشناخت دینی» (نمودار اسکری و ماتریس چرخش یافته به روش واریماکس) نشان می‌دهد: چهار عامل قابل استخراج است. ارزش ویژه عامل اول ۹/۴۲ به تعداد پنج سؤال (سؤال‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵)، ارزش ویژه عامل دوم ۲/۸۱ به تعداد پنج سؤال (سؤال‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰)، ارزش ویژه عامل سوم ۱/۶۸ به تعداد شش سؤال (سؤال‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) و ارزش ویژه عامل چهارم ۱/۲۵ به تعداد ده سؤال (سؤال‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵) است که در مجموع، ۵۸/۲۸ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌نمایند. با توجه به مبانی نظری، عامل‌های ۱ تا ۳ به ترتیب خرده‌طبقه‌های «شخص»، «تکلیف» و «راهبرد» طبقه دانش فراشناختی دینی و چهارمین عامل، طبقه «تجربه فراشناخت دینی» را تشکیل می‌دهد. این یافته که فراشناخت دینی از دو طبقه «دانش فراشناختی» و «تجربه فراشناختی» تشکیل می‌شود، با نظریه فلاول (۱۹۷۶ و ۱۹۷۹) مبنی بر اینکه «فراشناخت» عبارت است از: دانش شخص نسبت به فرایندها و بازده‌های شناختی یا هر چیز دیگری که مربوط به آن است و به دو طبقه «دانش فراشناختی» و «تجربه فراشناختی» تقسیم می‌شود، همخوان است.

علاوه بر این، نتایج حاصل از «تحلیل عاملی اکتشافی» نشان داد: طبقه دانش فراشناختی دینی از سه خرده‌طبقه «شخص»، «تکلیف» و «راهبرد» تشکیل شده است و اندازه یا حجم آن به ترکیب و تعامل این سه خرده‌طبقه بستگی دارد. به بیان دیگر، دانش فراشناختی دینی از دانش شخص درباره خودش به مثابه یک فرد

دیندار، دانش شخص درباره ماهیت و خواست‌های تکالیف دینی و دانش شخص درباره راهبردهای مبتنی بر دین تشکیل می‌شود. این یافته با نظریه *فلاول* (۱۹۸۵) مبنی بر اینکه دانش فراشناختی از دانش درباره شخص، تکلیف و راهبرد تشکیل می‌شود و حجم آن به ترکیب یا تعامل سه طبقه مذکور بستگی دارد، همخوان است. همچنین این یافته با نتایج پژوهش *هیل* و *سونسون* (۱۹۹۳) درباره فراشناخت اخلاقی همخوان است. از منظر ایشان، دانش فراشناختی به سه بخش قابل تقسیم است:

الف. دانش اخلاقی در زمینه خود یا دانشی که فرد درباره خود به‌عنوان یک شخص معتقد به اصول اخلاقی دارد.  
 ب. دانش اخلاقی در زمینه تکلیف یا دانشی که فرد درباره تکالیف اخلاقی دارد.  
 ج. دانش اخلاقی در زمینه راهبردها یا دانشی که فرد درباره راهبردها برای اعمال اخلاقی دارد.  
 با توجه به مبانی نظری، عامل چهارم که شامل سؤال‌هایی است که به نظارت و کنترل فرد درباره باورها، تکالیف و راهبردهای دینی اشاره دارد، طبقه «تجربه فراشناختی دینی» نام‌گذاری شد. «تجربه فراشناختی دینی» عبارت است از: یک تجربه شناختی یا عاطفی که به یک امر شناختی مبتنی بر دین مربوط است. به بیان دیگر، شناختی جدید که به دنبال انجام اعمال یا مناسک دینی برای شخص به وجود می‌آید و یا احساس یا عاطفه‌ای خاص که پس از انجام اعمال دینی برای فرد حاصل می‌شود، حاکی از تجربه فراشناختی دینی است.  
 برای مثال: موقع ارتباط با خدا به آینده امیدوار می‌شوم. در زمان انجام تکالیف مذهبی، احساس خوبی دارم. وقتی وظایف دینی‌ام را انجام می‌دهم از خودم رضایت دارم.

این یافته با مبانی نظری *فلاول* (۱۹۷۹ و ۱۹۸۵) مبنی بر اینکه «تجربه فراشناختی» عبارت است از: یک تجربه شناختی یا عاطفی که به یک امر شناختی مربوط است و می‌تواند قبل از فعالیت شناختی، هنگام فعالیت شناختی و پس از آن روی دهد، همخوان است. پس می‌توان گفت: پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی سازه برخوردار بوده و برای اندازه‌گیری فراشناخت دینی قابل استفاده است. این پرسشنامه این قابلیت را دارد که فراشناخت دینی را در دو طبقه کلی «دانش فراشناختی دینی» و «تجربه فراشناختی دینی» بسنجد. علاوه بر این، پرسشنامه «فراشناخت دینی» خرده‌طبقه‌های دانش فراشناختی دینی شامل شخص، تکلیف و راهبرد را نیز محاسبه می‌نماید و از این بابت با مبانی نظری فراشناخت همخوان است.

نتایج مربوط به روایی همگرا نشان داد که پرسشنامه «فراشناخت دینی» با پرسشنامه «تعهد مذهبی» و *رتینگتون* و همکاران (۲۰۰۳) دارای ضریب همبستگی ۰/۶۲ مثبت است؛ یعنی این پرسشنامه با ابزاری که سازه «تعهد مذهبی» اشخاص را اندازه‌گیری می‌کند، همخوانی دارد. همچنین ضرایب همبستگی بالای هر یک از عوامل پرسشنامه با فراشناخت دینی (کل پرسشنامه) حاکی از آن است که عوامل تشکیل‌دهنده از همگرایی قابل قبولی در خصوص اندازه‌گیری سازه «فراشناخت دینی» برخوردارند.

از سوی دیگر، نتایج روایی واگرا نشان داد: پرسشنامه «فراشناخت دینی» با پرسشنامه «باورهای فراشناختی» کارت رایت هاتون و ولز (۲۰۰۴) که دانش و آگاهی شخص را درباره باورهای نگران‌کننده و آسیب‌زا می‌سنجد، دارای ضریب همبستگی منفی (۰/۵۴-) است. پس این پرسشنامه دانش شخص را درباره باورهایی اندازه می‌گیرد که از باورهای آسیب‌زا متفاوت است و می‌توان گفت: پرسشنامه «فراشناخت دینی» دارای روایی واگراست و سازه‌ای متفاوت را می‌سنجد.

سؤال دوم این بود که آیا پرسشنامه «فراشناخت دینی» از اعتبار لازم برخوردار است؟

نتایج نشان داد: اعتبار پرسشنامه از طریق ضریب همسانی درونی به روش «آلفای کرونباخ» و روش «دو نیمه کردن» در حد قابل قبول (۰/۹۳ و ۰/۸۹) است. همچنین طبقه دانش فراشناختی دینی و مؤلفه‌های آن و طبقه تجربه فراشناختی دینی دارای ضریب همسانی درونی قابل قبولی (از ۰/۷۶ تا ۰/۸۹) به عنوان شاخصی از اعتبار برخوردار است.

در یک جمع‌بندی از نتایج مربوط به سؤال اول و دوم، می‌توان گفت: پرسشنامه «فراشناخت دینی» از روایی سازه، روایی محتوا، روایی همگرا و روایی واگرا برخوردار است؛ یعنی این پرسشنامه می‌تواند سازه فراشناخت دینی را به‌منزله یک سازه جدید در حوزه فراشناخت، اندازه‌گیری نماید. علاوه بر این، نتایج مربوط به اعتبار نشان داد که این پرسشنامه یک ابزار معتبر برای سنجش فراشناخت دینی است و نتایج حاصل از آن از قابلیت اعتماد و تکرار دارد. این پژوهش سازه‌ای جدید با عنوان «فراشناخت دینی» را معرفی می‌نماید که در حوزه فراشناخت تاکنون مطالعه نگردیده است و می‌تواند مطالبی را به مبانی نظری اضافه نماید. همچنین پرسشنامه‌ای را ارائه می‌دهد که قابلیت کاربرد در زمینه مطالعه فراشناخت در حوزه دین را داراست. بدین‌روی پیشنهاد می‌شود از این پرسشنامه در مطالعات فراشناخت دینی با سایر سازه‌های روان‌شناختی در جامعه دانشجویی استفاده گردد و روایی و اعتبار آن برای جامعه دانش‌آموزی و سایر جوامع بررسی شود.

## منابع

- سالاری فر، محمدحسین، ۱۳۹۱، *باورها و حالت فرانشناختی، بازدارنده یا تسهیل‌کننده نگرانی و خودتنظیمی تحصیلی*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۷۶، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- طالب‌زاده ثانی، هادی و پروین کدیور، ۱۳۷۸، «بررسی رابطه دانش فرانشناخت اخلاقی (فرااخلاق) با استدلال و رفتار اخلاقی»، *تعلیم و تربیت*، دوره بیست و چهارم، ش ۹۳، ص ۷-۳۲.
- کریمی، فرهاد و محمدحسین سالاری فر، ۱۳۸۳، «مقایسه رشد طبقات دانش فرانشناختی دانش‌آموزان دوره‌های مختلف آموزشی و توانش حل مسأله ریاضی»، *علوم روانشناختی*، دوره سوم، ش ۹، ص ۵۰-۶۵.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، *ساخت و اعتباریابی ابزارهای سنجش فرانشناخت حل مسأله (دانش، نظارت و باورهای فرانشناختی) و بررسی رابطه فرانشناخت دانش‌آموزان دوره راهنمایی با عملکرد آنان در حل مسأله‌های کلامی ریاضی*، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی تربیتی، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- منصور، محمود و پریخ دادستان، ۱۳۶۷، *دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی*، تهران، ژرف.
- میرز، لاورنس اس، گامست، گلن و گارینو، جی، ۱۳۹۶، *پژوهش چندمتغیری کاربردی*، ترجمهٔ حمیدرضا حسن‌آبادی و همکاران، تهران، رشد.
- Eichbaum, Q.G., 2014, "thinking about thinking and Emotion: the metacognitive approach to the medical humanities that integrates the humanities with the basic and clinical sciences", *Permanent Journal*, N. 18(4), p. 64-75.
- Flavell, J. H., 1976, "Metacognitive aspects of problem solving", in L. B. Resnick (ed.), *The nature of intelligence*, Hillsdale, NJ, Erlbaum.
- , 1985, *Cognitive development*, Prentice Hall.
- , 1979, "Metacognition and cognitive monitoring", *American psychologist*, V. 34. p. 906-911.
- , 1998, "Social Cognition" in Dammon, William", *Hand Book of Child Psychology*, V. 2, cognition, perception, and language, wilye and sons, Inc.
- Mokhtari, K., & Reichard, C.A., 2002, "Assessing students' metacognitive awareness of reading strategies", *Journal of educational psychology*, N. 94, p. 249-259.
- Swanson, H.L., 1990, "Influence of Metacognitive knowledge and Aptitude of problem solving", *Journal of Educational Psychology*, N. 82(2), p. 306-314.
- & Hill, G., 1993, "Metacognitive aspects of moral reasoning and behavior", *Adolescence*, N. 28, p. 711-735.
- Wells, A., & Cartwright-Hatton, S., 2004, "A short form of the metacognitions Questionnaire: properties of the MCQ- 30", *Behavior Research and Therapy*, N. 42, p. 385-396.
- , 2009, *Metacognitive Therapy for Anxiety and Depression*, The Guilford Press.
- Worthington, E. L., Jr., Wade, N. G., Hight, T. L., Ripley, J. S., McCullough, M. E., Berry, J. W., et al., 2003, "The Religious Commitment Inventory-10: Development, refinement, and validation of a brief scale for research and counseling", *Journal of Counseling Psychology*, N. 50, p. 84-96.
- Zito, J. R., Adkins, M., & Gavins, M., 2007, "Self- regulated strategy development: relationship to the social- cognitive perspective and the development of self -regulation", *Reading and writing quarterly*, N. 23, p. 77-95.